

تحلیلی بر نقش روزنامه‌ها و دامنه‌ی تأثیرگذاری آن‌ها در اعتراض‌های عصر ناصری (۱۳۱۳-۱۳۶۴ ه.ق)

اکرم کرمعلی، دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه لرستان
سهم‌الدین خزایی، استادیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان (نویسنده‌ی مسئول)*
محسن رحمتی، استاد گروه تاریخ دانشگاه لرستان
توران طولایی، استادیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان

چکیده

پدیده‌ی اعتراض، ایران عصر ناصری را به یکی از دوره‌های پرتنش در تاریخ مناسبات دولت و ملت در ایران عصر قاجار مبدل ساخت. ضعف دولت، چالش‌های فراگیر اقتصادی، گذار تدریجی جامعه‌ی ایران از دوران سنت به مدرنیته، تغییر در مناسبات خارجی ایران، ناکارآمدی ساختاری و عواملی از این دست، در گستره‌ای نسبتاً وسیع، به نارضایتی‌ها و اعتراضات تقریباً سراسری در اغلب ولایات ایران دامن زد. آنچه تا حدودی سبب شد تا بخشی از این اعتراضات در گستره‌ای نسبتاً وسیع‌تر در ایران به تحریک و تشویق افکار عمومی نسبت به وضع موجود یاری رساند، روزنامه‌ها بودند. اختر و قانون، جزو معدود روزنامه‌های اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه به شمار می‌آیند که با مسئله‌ی اعتراضات این دوره پیوندی تأثیرگذار برقرار و در تأثیرگذاری فزاینده‌ی این اعتراضات بر تحولات آتی ایران نقشی پررنگ ایفا کردند. پرسش اصلی این پژوهش این است که دامنه‌ی تأثیرگذاری روزنامه‌ها در روند اعتراضات عصر ناصری تحت تأثیر چه عواملی قرار گرفت و نقش دو روزنامه‌ی نامبرده در اعتراضات متأخر این دوره بر چه اساسی شکل گرفت؟ در این پژوهش، به روشی توصیفی-تحلیلی، این فرضیه موردبررسی قرار خواهد گرفت که روزنامه‌های عصر ناصری توانایی بازتاب وسیع اعتراضات عصر ناصری را پیدا نکرد اما در معدود اعتراض‌های اواخر عصر ناصری، به یکی از مهم‌ترین ابزارها در فراگیرشان اعتراضات این دوره مبدل شدند.

واژه‌های کلیدی: قاجار، ناصرالدین‌شاه، اعتراض، روزنامه اختر، روزنامه قانون.

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۱۱

*E-mail: khazaei.s@lu.ac.ir

مقدمه

حکومت ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه.ق / ۱۲۷۵-۱۲۲۷ ه.ش) قاجار، به‌مثابه‌ی دورانی مهم در تاریخ تحولات معاصر ایران به‌شمار می‌رود که می‌توان آن را حد وسط گذار تاریخی ایران از سنت به مدرنیته و نقطه‌ی عطفی در تاریخ تحولات سیاسی- اجتماعی به‌شمار آورد. این اهمیت تاریخی محصول چند عامل پراهمیت بود: مواجهه‌ی همه‌جانبه‌ی ایران با دنیای مدرن و متجدد، نوع ساختار سیاسی- اجتماعی ایران، شیوه‌های حکمرانی و نظارت‌های مدیریتی شاه و دیوان‌سالاران زیر فرمانش، مواجهه مستقیم با قدرت‌های استعماری روس و انگلیس، فقدان منابع درآمد و افزایش هزینه‌ها، گرایش به‌نوعی مدرن‌سازی حکومتی، ظهور طیفی از روشنفکران متجدد و ناقد و عوامل دیگر در زمره‌ی همین عوامل تاریخی بودند که دوره‌ی سلطنت ناصرالدین‌شاه را از دیگر دوره‌ها متمایز می‌ساختند. این تحولات، در جای خود، مناسبات میان نهاد قدرت و طبقات و گروه‌های اجتماعی را وارد مرحله‌ی نوینی ساخت. این مرحله را می‌توان مرحله‌ی تنش‌های فراگیر نامید. این تنش‌ها هم در نتیجه‌ی ضعف نهاد دولت در نظارت و ایجاد موازنه در مناسبات اقتصادی- اجتماعی- سیاسی در بُعد داخلی بود و هم در نتیجه‌ی نوعی سرگردانی و تشویش که در نتیجه‌ی مواجهه‌ی دولت با پدیده‌ی مدرنیته حاصل آمده بود. برآیند چنین وضعیتی، برهم خوردن مناسبات میان دولت و جامعه بود به‌گونه‌ای که این برهم‌خوردگی، خود را در اعتراض‌ها و شورش‌های متعدد و نارضایتی‌های نسبتاً فراگیر در گستره‌ی قابل‌توجهی از جغرافیای ایران نشان داد. فارغ از ماهیت اقتصادی، سیاسی یا اجتماعی این اعتراض‌ها، نوع پیوندی که میان این پدیده با روزنامه‌ها در عصر ناصری ایجاد شد نیز مسئله‌ای قابل‌تأمل بود. آنچه مشخص است اینکه روزنامه، پدیده‌ای نوظهور بود و گسترش نسبی آن در دو دهه‌ی آخر سلطنت ناصری رخ‌نمود که عملاً با طیف وسیعی از اعتراض‌های پیشینی، نمی‌توانست هم‌دوره باشد. اما طیفی از روزنامه‌ها در دوره‌ی پایانی حکومت ناصری، با برخی جریان‌های اعتراضی هم‌زمان شدند. اما این هم‌زمانی به‌فزونی گرفتن نقش روزنامه‌ها در تقویت یا تأثیرگذاری بر اعتراض‌های گسترده منجر نشد و با خارج شدن نقش روزنامه‌های داخلی در جریان‌های اعتراضی، نقش چند روزنامه‌ی منتشرشده در خارج، برجسته‌تر شد. دلیل قرار گرفتن روزنامه‌ها در چنین وضعیتی البته تا حدودی مشخص بود: ۱. وضعیت اجتماعی و اقتصادی ایران، اجازه‌ی مطرح‌شدن آن به‌مثابه‌ی ابزاری نیرومند در جهت برقراری و تداوم پیوند میان نهاد قدرت و جامعه را نمی‌داد. ۲. برداشت‌ها و ذهنیت‌ها از این پدیده بسیار محدود

بود. ۳. دامنه‌ی تأثیرگذاری ناقص آن نیز در نهایت به تهران و معدودی از چند شهر خلاصه می‌شد، آن‌هم تحت نظارت دولت، با محتوایی نه‌چندان انتقادی و در خدمت حفظ وضع موجود.

به تناسب نهادینه‌تر شدن روزنامه‌ها و برهم خوردن بیشتر موازنه میان نهاد دولت و جامعه، هر چه به پایان دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه نزدیک‌تر می‌شویم، نقش روزنامه‌ها در گسترش یا تقویت اعتراض‌ها نیز به شکلی نسبی و نه‌چندان وسیع، تقویت می‌شود؛ اگرچه روزنامه‌ها از پوشش طیف وسیعی از این اعتراض‌ها در ولایت ناکام ماندند و وضعیت توسعه‌یافتگی شهرهای ایران اجازه‌ی تأثیرگذاری بیشتر به روزنامه‌ها در جهت تأثیر بر روند اعتراض‌ها را نداد، اما در این میان، اتفاقی که در پیوند میان روزنامه‌ها و اعتراض‌های عصر ناصری رخ داد این بود که تأثیرگذاری نسبی روزنامه‌ها بر برخی اعتراض‌های متأخر، بر عهده‌ی روزنامه‌های چاپ‌شده در خارج از ایران قرار گرفت. در واقع، تنها چند روزنامه‌ی معدود، در این دوره موفق شدند با رصد تحولات ایران از خارج کشور، و با اتخاذ موضعی انتقادی نسبت به وضعیت عقب‌ماندگی ایران، بر پاره‌ای جریان‌های اعتراضی متأخر تأثیر مستقیم و پررنگ بگذارند. در این پژوهش، هدف این است تا با بررسی نقش روزنامه‌ها در اعتراض‌های عصر ناصری، بر میزان تأثیرگذاری آن‌ها و ناکامی نسبی آن‌ها در پوشش این جریان‌های اعتراضی تمرکز شود و در نقطه‌ی مقابل، بر تأثیر دو روزنامه‌ی اختر و قانون، بر برخی اعتراض‌های محدود شهری در دوره‌ی متأخر سلطنت ناصرالدین‌شاه تأکید شود. ما در این زمینه، دو روزنامه‌ی اختر و قانون را برگزیده‌ایم. دلیل این انتخاب از چند جهت است. نخست اینکه در میان جراید وطنی و روزنامه‌هایی که در این دوره در داخل منتشر می‌شدند، محتوای هیچ‌کدام، معطوف به انتقاد از وضع موجود و یا حتی اعتراضی نسبی به موقعیت دولت و سیاست‌های آن نبود. دوم اینکه نوع تأثیرگذاری این دو روزنامه و مواضع انتقادی آن‌ها، بیش از سایر روزنامه‌ها، بر جریان اعتراض‌های این دوره تأثیر گذاشتند.

درباره‌ی نقش و جایگاه روزنامه‌ها در عصر ناصرالدین‌شاه پژوهش‌هایی انجام شده است. علاوه بر کتاب‌هایی که برخی نویسندگان مانند فریدون آدمیت (۱۳۸۵)، هما ناطق (۱۳۵۵)، فوران (۱۳۷۷)، ونسا مارتین (۱۳۸۷) و دیگران که پژوهش‌هایی کلان در حوزه‌ی مطالعات قاجاری محسوب می‌شوند، در برخی پژوهش‌ها و مقالات مستقل نیز به ابعادی از این مسئله اشاره شده است که عبارت‌اند از: «بررسی گفتمان‌های سیاسی عصر ناصری با رویکرد به مطبوعات فارسی برون‌مرزی: روزنامه اختر» (بهروزی و صحرانورد: ۱۳۹۲)؛ «رویکرد انتقادی روزنامه‌های فارسی‌زبان مصر به وضعیت اقتصادی ایران در عصر ناصری و مظفری» (زارعی: ۱۳۹۴)؛ «ایران پیش از انقلاب مشروطیت: مهر و موم‌های پایانی سلطنت ناصرالدین‌شاه» (تیموری: ۱۳۸۵)، «بحران مشروعیت دولت ناصری و تأثیر آن بر گرایش‌ها شاه به

اصلاحات تجددخواهانه» (علیزاده بیرجندی: ۱۳۸۸)؛ «بررسی مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان در مطبوعات عصر قاجار: با تأکید بر نشریه‌ی نامه‌ی بانوان» (پرویش ۱۳۹۴)؛ «رویکرد انتقادی روزنامه اختر به وضعیت زنان عصر ناصری» پور حسن دارابی (۱۳۹۱) و «تأثیر بلوهای نان بر روابط حکومت و مردم در عصر ناصرالدین‌شاه» (میر کیایی: ۱۳۹۲). اما در پژوهش حاضر تلاش خواهد شد تا نقش و تأثیر روزنامه‌ها به‌ویژه اختر و قانون بر جریان‌های اعتراضی عصر ناصری مورد بررسی قرار بگیرد.

روزنامه‌های عصر ناصری: از پیدایش و نظارت بر محتوا تا رویکرد انتقادی و طرح مسئله‌ی اصلاحات

پدیده‌ی روزنامه در ایران عصر ناصری، نخستین بار، در جهت انتقال پیام نهاد قدرت به طبقات اجتماعی زیردست به کار گرفته شد. این وضعیت، نشان از تأثیرپذیری موقعیت ایران از مناسبات و تحولات بین‌المللی و مواجهه‌ی تدریجی آن با مدرنیته و امکانات، مسائل و ضرورت‌های آن داشت. در واقع روزنامه‌ها برای نخستین بار، کارکرد دیگر ابزار انتقال پیام را به چالش می‌کشیدند و سهولت این مسئله را برای نهاد قدرت میسر می‌کردند. (شیخاوندی، ۱۳۶۹: ۴۹). این روند با انتشار روزنامه‌ی کاغذ اخبار آغاز شده بود. (ناهدی آذر، بی‌تا: ۷) انتشار مرتب روزنامه در ایران در زمان ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۷ق/ ۱۸۵۱ م) با عنوان *وقایع/تفاهیه* انجام گرفت که بعداً با تغییر اسم به نام‌های ایران سلطانی و ایران منتشر شد. اغلب این روزنامه‌ها دولتی بودند و در پایتخت منتشر می‌شدند و اگر در بعضی از ولایات از قبیل اصفهان و تبریز و فارس هم روزنامه منتشر می‌شد، تحت نظر حکام وقت بوده است (صدرهاشمی، ۱۳۶۳، ج ۱/ ۲؛ رابینو، ۱۳۷۲: ۷). در این زمان روزنامه دولتی دیگری با عنوان *اطلاع* نیز منتشر شد که مطالب علمی و اخلاقی و میزان خواربار در میدان و چیزهای از این قبیل در آن به چاپ می‌رسید (مستوفی، ۱۳۶۰: ۱۸). در مهر و موم‌های بعد البته تعداد و تنوع این روزنامه‌ها فزونی یافت و چندین نشریه در شهرهای مهم ایران به چاپ رسیدند (رابینو، ۱۳۷۲: ۲۵-۳۳).

نظارت دولت بر محتوای این روزنامه‌ها از همین دوران نخست انتشار، به آن‌ها کارکردهایی محافظه‌کارانه می‌بخشید. در واقع، رویکرد این نشریات و روزنامه‌ها با توجه به نسبتی که با حکومت و دولت داشتند و نظارتی که بر محتوای آن‌ها اعمال می‌شد، بیش از اینکه ناقد و معترض وضع موجود و درنهایت، در خدمت ایجاد اصلاحات اساسی باشند، به نشریاتی دولتی تبدیل شدند که در بهترین حالت بازتاب‌دهنده‌ی رویکردهای محافظه‌کارانه‌ی حکومت و تلاش آن‌ها در جهت حفظ وضع موجود بودند.

بنابراین، روزنامه‌ها در بهترین حالت، به تریبونی جهت طرح برخی اقدامات حکومتی در شهرهای ایران مبدل شدند. این در حالی بود که «سانسور و ممانعت از بازتاب مسائل اجتماعی-سیاسی و تحمل نکردن برخی نقدها، محبوبیت این نشریات را در شهرهای ایران کاهش داد. در نقطه‌ی مقابل، نشریات فارسی‌زبان خارج از ایران «در موقعیت عدم نظارت دولت» بر محتوای آن‌ها، به زبان نقاد این دوران و ابزاری در جهت طرح مسائل سیاسی-اجتماعی-فرهنگی با رویکردی انتقادی مبدل شدند و مسئله‌ی اصلاحات زیربنایی را به مثابه‌ی مهم‌ترین مسئله‌ی کنونی ایران مطرح کردند.» (ذاکر حسین، ۱۳۶۸: ۴۶). این دسته از روزنامه‌ها به دلیل دوری از فضای تحت نظارت و کنترل‌شده‌ی ایران، به لحاظ شکلی-محتوایی و متأثر از اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی-اقتصادی مدرن، نقد همه‌جانبه‌ی خود را متوجه ساختارهای سنتی و محتاج اصلاحات ایران کردند. نشریاتی مانند ثریا، پرورش، حبل‌المتین، قانون، آزاد، مفتاح‌الظفر و روزنامه‌ی اختر در این میان بیشترین تأثیر را از خود بر جای گذاشتند (جبارلوی شبستری، ۱۳۸۳: ۲۵۶؛ براون، ۱۳۶۱: ۳۱۴) تمایز آشکاری که میان رویکردهای اعتراضی-انتقادی این روزنامه‌ها با نشریات دولتی و چاپ‌شده در ایران وجود داشت، پیوند محتوایی این روزنامه‌ها در راستای تحول و ایجاد اصلاحات بود که به شیوه‌ای نقادانه، استدلالی، مبتنی بر مقایسه‌های فراوان جامعه‌ی سنتی ایران با جوامع غربی، نقد رویکردهای استعماری دول خارجه، نقد نهاد مذهب و عواملی از این دست بود. به‌عنوان نمونه، روزنامه‌ی اختر در نخستین شماره‌ی خود در مورد اهمیت جایگاه روزنامه و تأثیر اصلاحی-انتقادی-روشنگرانه‌ی آن چنین سخن می‌گوید:

«روزنامه روشنائی‌بخش آفاق مدنیت است و کمل الجواهر آفاق ترقی ملک و ملت فلک دانش را ماهی است تابان.... و بدین وسیلت گوی نیکنامی را در کوی انسانیت تواند ربود و و اسباب پیشرفت هرگونه اتحادات مطلوبه و ترقیات صوریه و معنویه در اقطار مشرق زمین فراهم گردد و نیز بدین وسیلت نتایج حسنه بسیاری که بمناسبت مقام و سخن منکشف خواهد گردید حاصل آید...» (اختر، ش ۱: ۱۲۹۲ ق، ص ۱). ولی شاه ایران چنین اعتقادی نداشت و نسبت به روزنامه‌ای که تحت کنترل وی نبود و آموزه‌های آن ممکن بود تأثیرات عمیقی بر تحرکات اجتماعی برجای بگذارد به شدت بدبین بود و مقالات آن را فضولی‌های بی‌شمار نام می‌نهاد. (فشاهی، ۱۳۵۳: ۲۶۸). در همین راستا، میرزا ملکم خان نیز که کارنامه‌ی تکاپوهای سیاسی-اجتماعی‌اش وی را در زمره‌ی یکی از فعال‌ترین و تأثیرگذارترین کنشگران پیشامشروطه‌ی ایران قرار می‌داد، در نخستین سرمقاله‌ی روزنامه‌ی قانون که در خارج از مرزهای ایران به چاپ می‌رسید و رویکردی کاملاً انتقادی به وضع موجود ایران داشت، می‌نویسد: «هیچ‌کس در ایران مالک هیچ‌چیز نیست زیرا که قانون نیست. بدون قانون، حاکم

تعیین می‌کنیم، بدون قانون حقوق دولت را می‌فروشیم، بدون قانون بندگان خدا را حبس می‌کنیم، بدون قانون خزانه می‌بخشیم، بدون قانون شکم پاره می‌کنیم... در ایران احدی نیست که بداند تقصیر چیست و خدمت کدام...» (قانون، ش ۱: ۱۳۰۷ ق، ص ۲).

درواقع روزنامه‌ی قانون تمرکز خود را بر انتقاد از حکومت مطلقه، لزوم اصلاح حکمرانی و ایجاد عدالت قانونی و تعلیمات حزبی، دعوت مردم به اتحاد و اتفاق و حمایت از حقوق اجتماعی زنان بنیان نهاده بود (نورایی، ۱۳۵۲: ۱۸۷). این مسئله‌ای بود که از دید نویسندگان روزنامه‌های دیگر نیز پنهان نماند. به طوری که در سرمقاله نخستین شماره روزنامه ثریا آمده است که «امروز برای تنبیه و آگاه نمودن ابنای وطن که غالب روش اجانب ندانند و از سیاست مغربیان که ظاهری چون چهره خوبان آراسته و باطنی چون دل دوزخیان کاسته دارند بی‌خبر و از مکر و کیدشان غافل‌اند هیچ بهتر از نصیحت و ذکر نیست ... امروز برای ما ایرانیان که طالب خدمت وطن هستیم شرط قدرت قلم و قوت قدم خدمتی بهتر از نشر روزنامه و همت و اقدام در این امرست» (ثریا، ش ۱: ۱۳۰۶ ق، ص ۱).

روزنامه‌ها و اعتراضات: تأثیرگذاری محدود و پوشش ناموزون

پدیده‌ی اعتراض و مخالفت با وضع موجود، از مهم‌ترین پدیده‌هایی بود که ایران عصر ناصری را به نحوی با دوره‌ی پیش از آن متمایز می‌ساخت. در این دوره مناسبات و تعاملات و تخصیصات میان دو نهاد حکومت و جامعه شکل گرفت. چنین وضعیتی تأثیر پذیرفته از موقعیت داخلی و خارجی ایران بود. درواقع برخی عوامل طبیعی مانند قحطی‌ها و بیماری‌ها، برخی عوامل خارجی مانند نفوذ گسترده‌ی قدرت‌های روسیه و انگلستان، ناکارآمدی سیستم حکومتی و عدم ارائه‌ی پاسخ‌های مناسب به حجم عظیمی از مطالبات و ضرورت‌ها و اقتضائات مدرن در اعتراضات عصر ناصری تأثیرگذار بودند. بنابراین گستره و تنوع موضوعی اعتراضات از یک سو و مطالباتی که از طریق اعتراضات بیان شد باعث شد در این دوره، طیف وسیع و متنوعی از اعتراض‌ها و شورش‌ها اتفاق بیفتد. بخشی از این شورش‌ها عبارت بودند از: اعتراض‌های نظامی مانند فتنه‌ی سالار در خراسان، شورش سربازان علیه امیرکبیر، شورش بای‌ها در زنجان و مازندران (سپهر، ۱۳۷۷: ۳/۹۸۶-۱۰۰۶)، شورش‌ها و اعتراض‌های اشرار در بیشتر ولایات ایران مانند اصفهان، باجلان و بختیاری، تبریز، بوشهر، بهبهان، لرستان، کردستان، ترکمن‌ها و غیره (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱/۱۶۲؛ سپهر، ۱۳۷۷: ۳/۱۰۸۷)، شورش‌های درون قبیله‌ای و گروهی که تعداد آن‌ها را تا ۱۶۹ مورد در دوره‌ی ناصری نام برده‌اند، راهزنی‌های درون شهری و ناامنی‌های وسیع

که گاهی نیز رنگ و بوی مذهبی نیز به خود می‌گرفتند (فوران، ۱۳۷۷: ۲۳۷؛ عباسی، ۱۳۷۲: ۶۳؛ صفایی، ۱۳۵۶: ۸۶؛ تیموری، ۱۳۸۵: ۱۹-۱۸). این، تقریباً توصیفی کمی و کلی از اعتراض‌های عصر ناصری‌ست. اما پیوند روزنامه‌ها با این اعتراض‌ها را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟ به نظر می‌رسد که ما با گونه‌ای تأثیرگذاری «بریده‌بریده» و ناقص مواجهیم که در عمل و در نوع تأثیرگذاری روزنامه‌ها بر جریان‌های اعتراضی در این دوره رخ داده است.

بنابراین باید گفت علی‌رغم تأثیرگذاری روزنامه‌ها بر طیفی از اعتراض‌ها (آن‌هم اعتراض‌های متأخر عصر ناصری)، نمی‌توان درباره‌ی نقش آن‌ها در فراگیری اعتراض‌های عصر ناصری اغراق کرد. بدون تردید وضعیت ایران هم‌زمان با این دوره، امکان بهره گرفتن از این‌گونه ابزار را به دست نمی‌داد. بی‌سوادی طیف وسیعی از طبقات اجتماعی، عدم امکان دسترسی به روزنامه‌ها در گستره‌ای وسیع در شهرها، بعد جغرافیایی چاپ و نشر روزنامه‌های منتقد، نظارت محتوایی بر محدود روزنامه‌های چاپ داخل، عدم آگاهی‌های سیاسی-اجتماعی در بدنه‌ی اجتماعی و عواملی از این دست، روزنامه‌های این دوره و دامنه‌ی تأثیرگذاری آن‌ها را بسیار محدود می‌ساخت. به‌عنوان نمونه، بسیاری از شورش‌های ولایات یا شورش بایبه که در دوره‌ی محمدشاه آغاز و تبعات و تأثیرات آن به دوره‌ی ناصری نیز کشیده شد، در زمره‌ی اعتراض‌ها و شورش‌هایی بودند که نتوانستند از مؤلفه‌ای حیاتی مانند روزنامه بهره ببرند و از آن در جهت ترویج گسترده‌تر اندیشه‌های خود در بدنه‌ی اجتماعی استفاده کنند. در همین راستا برخی دیگر از اعتراض‌ها را نیز می‌توان نام برد که به مسائلی همچون کمبود نان و قحطی مربوط می‌شدند. چنین اعتراض‌هایی، در نسبت با تحولات و اعتراض‌هایی که منجر به قیام تنباکو یا قرارداد رویترو و برخی دیگر از اعتراض‌ها شد، تأثیر کمتری از پدیده‌ی روزنامه‌ها و نشریات این دوره پذیرفتند.

بنابر آنچه گفته شد به‌نوعی، به‌جز درگیر ساختن طیفی بسیار محدود از نخبگان و عالمان مذهبی، روزنامه‌ها، توان تأثیرگذاری بر روندهای اعتراضی را در گستره‌ای چشمگیر نمی‌یافتند. این مسئله، به‌نوعی پوشش ناموزون از اعتراضات عصر ناصری در روزنامه‌ها نیز منجر می‌شد. به همین دلیل است که ما بسیاری از اعتراض‌های این دوره را جایی به‌دوراز نقش و تأثیر نخبگان می‌یابیم، نخبگانی که روزنامه مهم‌ترین ابزار آن‌ها در طرح آرای انتقادی و لزوم بازنگری در کارکردهای دولت و انجام اصلاحات بود. اما، در اعتراض‌هایی نیز که نقش روزنامه‌ها در آن‌ها پررنگ بود، از آنجاکه پیوند مستقیم میان محتوای روزنامه‌ها با طیف وسیعی از کنشگران معترض (بنا به دلایل پیش‌گفته) میسر نبود، بنابراین، روزنامه‌ها در فرایندی «واسطه‌ای» به تأثیرگذاری می‌پرداختند. منظور از این «فرایندهای واسطه‌ای»، ضرورت وجود نخبگانی باسواد و افرادی منتقد و تحول‌خواه بود تا با برقراری پیوند با

محتوای این روزنامه‌ها (که در خارج از ایران چاپ و طی روندی دشوار به داخل ایران منتقل می‌شدند)، آن را در یک فرآیند باز تحلیلی، به سمع مخاطبان برسانند. این عامل نیز، به صورت ویژه، تأثیرگذاری مستقیم روزنامه‌ها در جریان اعتراض‌ها را با چالش مواجه می‌ساخت و از ایجاد نوعی گفت‌وگو میان روزنامه‌نگاران و نخبگان روزنامه‌نویس با معترضان ممانعت به عمل می‌آورد. در واقع می‌توان این‌گونه تصریح کرد که شکل و نوع اعتراض‌های دوره‌ی ناصری بسته به اینکه در کدام مرحله از پادشاهی ناصرالدین‌شاه رخ می‌دادند و کدام طبقات اجتماعی را بیشتر به خود درگیر می‌ساخت و اعتراض‌ها، کدام جنبه‌ها از حیات اجتماعی - سیاسی را دربرمی‌گرفتند، متفاوت بود.

دوره‌ی متأخر سلطنت ناصرالدین‌شاه: تأثیر رو به فزونی اما ناقص و محدود روزنامه‌ها بر فرآیندهای اعتراضی

دوره‌ی متأخر سلطنت ناصرالدین‌شاه را تسامحا می‌توان به دو دهه‌ی پایانی حکمرانی او اطلاق کرد. سرعت تحولات سیاسی - اجتماعی، گسترش آرای انتقادی در مواجهه با نهاد دولت، پیوند بیشتر با اروپا، شکل‌گیری گونه‌ای تناقض میان واقعیت‌های اقتصادی - سیاسی موجود و تقاضا برای مدرن‌شدگی، ورود به دوره‌ای از روابط استعماری شدید با روس و انگلیس، رواج نوعی آگاهی محدود و نه‌چندان فراگیر از مسئله‌ی اصلاحات در میان نخبگان (بدون درگیر ساختن طبقات اجتماعی متوسط و پایین)، تبعید نخبگان تجددطلب به اروپا و دل‌بردگی برخی مظاهر تمدن از شخص شاه مؤلفه‌های تمایز بخش این دوره‌اند (فوران، ۱۳۷۷: ۲۳۳-۲۲۰؛ مارتین، ۱۳۸۷: ۱۹۵-۱۹۰) در این دوره، ما با گونه‌ای تأثیرگذاری بیشتر روزنامه‌ها بر اعتراضات مواجهیم اما در گستره‌ای بسیار محدود. در همین رابطه، اشاره به این نکته ضرورت دارد که نوع اعتراضاتی که برخی روزنامه‌های انگشت‌شمار، بازتاب دادند، آن نوع اعتراضاتی بود که به نوع مناسبات اقتصادی - سیاسی نهاد قدرت با دولت‌های استعمارگر مربوط می‌شد. این مسئله، خود بر محدودیت دامنه‌ی تأثیرگذاری روزنامه‌ها بر اعتراضات عصر ناصری گواهی می‌دهد. در واقع، این واقعیتی آشکار بود که به‌جز روزنامه‌هایی مهم و اندک مانند قانون، ثریا و اختر که به رویکردهای نهاد دولت در قبال تحولات اقتصادی - سیاسی و تأثیر تصمیم‌گیری‌های آن بر جریان عقب‌ماندگی کشور انتقاد داشتند، طیف دیگری از روزنامه‌ها وارد این جریان انتقادی نشدند و در نقطه‌ی مقابل نیز، آن دسته از اعتراض‌های داخلی که تأثیر نسبتاً کمتری از مناسبات بین‌المللی می‌پذیرفت (یا اگر تأثیر می‌پذیرفتند، غیرمستقیم بود)، از دید این روزنامه‌ها پنهان می‌ماند. با توجه به این نکته،

می‌توان تأثیرگذاری محدود برخی روزنامه‌ها در جریان برخی اعتراض‌های عصر ناصری را این‌گونه تنظیم نمود و آن را تحلیل کرد:

الف: روزنامه‌ها و مسئله‌ی گرانی نان: اعتراضی داخلی که بازتاب نیافت

اعتراض به گرانی نان در دوره‌ی متأخر سلطنت ناصری، از آن دست اعتراض‌هایی است که بازتابی در روزنامه‌های منتقد نیافت و بر همین اساس، تحریک و تهییجی از جانب روزنامه‌ها در این جریان اعتراضی مشاهده نشد. این در حالی بود که یکی از گسترده‌ترین و مهم‌ترین اعتراض‌های دوره‌ی ناصری اعتراض به گرانی نان در برخی از شهرهای مهم ایران بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۹۲؛ ناطق، ۱۳۵۵: ۵۴۰-۵۶۵؛ رضوانی، ۱۳۷۲: ۱۴۰). مسئله‌ی نان به چالشی بسیار مهم برای حکومت ناصری مبدل شد که افزون بر تهران، شهرهای مهم دیگری مانند شیراز را نیز درنوردید و به تقابلی نسبتاً سهمگین میان حکومت و طبقات پایین اجتماع مبدل شد. در این اعتراض بسیاری از طبقات اجتماعی آشکارا در مقابل حکومت و شخص شاه قرار گرفتند که زنان و نحوه‌ی عملکرد و واکنش آن‌ها نسبت به مسئله‌ی نان در زمره‌ی مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌رفت (آدمیت، ۱۳۸۵: ۷۸). اهمیت این اعتراض‌های سراسری از آن جهت بود که طیفی از فسادها، کم‌کاری‌ها، سوء مدیریت‌ها، زورگویی‌ها و ناتوانی در حل مسئله تمامی ارکان حکومت را به چالش می‌کشید (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۳۳۶؛ مارتین، ۱۳۸۷: ۱۹۵)، با این حال مسئله‌ی نان برخلاف بحران تنباکو بازتاب زیادی در روزنامه‌های این دوره نداشت و یا حداقل خیزش عمومی طبقات اجتماعی و اعتراض آن‌ها به این وضعیت را نمی‌توان در نتیجه‌ی تحریک روزنامه‌های این دوره دانست، گرچه نقد به ناتوانی و سستی مشروعیت موقعیت شاه در تمامی نشریات منتقد بازتاب وسیعی داشت.

ب: روزنامه‌ها و اعتراض به قرارداد تنباکو: تأثیر پررنگ و نمایان

زمانی که دولت ایران قرارداد تنباکو را امضا کرد برخی از مطبوعات متن مذاکره و اصول و شرایط آن را به تفصیل چاپ و به شدت به دولت حمله کردند. قانون که توسط میرزا ملکم خان ناظم الدوله در لندن به چاپ می‌رسید از مهم‌ترین این روزنامه‌ها بود. در ژوئیه ۱۸۹۰ م. ملکم خان با چاپ مقاله‌ای در این روزنامه از واگذاری میراث مسلمانان به ماجراجویان بیگانه شکوائیه سر داده و حتی به نظام حکومتی قاجار با لحن تند انتقاداتی را وارد کرده است و خواستار تغییر سیستم حکومتی در ایران گردیده است

(قانون، شماره ۱۸: ۴). روزنامه دیگر، روزنامه اختر چاپ استانبول بوده است که با چاپ مقالاتی انتقادی، به مخالفت با انحصارنامه می‌پرداخت. مقاله اول در ماه نوامبر منتشر شد که در آن آزادی خواهان با لحن شدیدی به امتیاز تنباکو حمله کرده بودند. این مقاله در روزنامه صباح به زبان ترکی توسط عثمانی‌ها نوشته شده بود که ترجمه فارسی آن در شماره ۱۳ روزنامه اختر چاپ استانبول مورخ سه‌شنبه ۲۷ ربیع‌الاول سال ۱۳۰۸ ق (۱۱ نوامبر ۱۸۹۰ م.) منتشر شد. این مقاله بعداً این که اجمالاً به مفاد قرارداد نامه بین ایران و شرکت رژی اشاره می‌کند نشان می‌دهد که صاحب‌امتیاز با توجه به تخمین‌های ناظر گمرکات، می‌بایست سود ویژه سالانه‌ای برابر با ۵۰۰ هزار لیره به دست آورد و همچنین اضافه می‌کند که آنچه عاید دولت ایران می‌شود بسیار ناچیز و کم است سپس با مقایسه شرکت رژی در ایران با شرکت رژی در عثمانی خاطر نشان می‌سازد که این شرکت در ایران از سود بیشتری برخوردار خواهد بود. مقاله در پایان به مضرات قرارداد که در صورت اجرایی شدن می‌تواند دامن‌گیر مردم و دولت شود، تذکر می‌دهد و آزادی خواهان و روحانیون ایران را به مبارزه با آن دعوت می‌کند (روزنامه اختر، ۱۳۰۸ ه.ق، شماره ۲۳: ص ۲-۳). مقاله دوم که در ۱۳ ژانویه ۱۸۹۱ م. (۱۳۰۹ ه.ق) منتشر گردید موجب شد تا ناصرالدین‌شاه ورود آن را به ایران ممنوع کند. در این مقاله، نگارنده در ابتدا با نشان دادن وضعیت مطلوب داخلی کشورهای همسایه به‌خصوص، پیشرفت آموزشی و ترقیات اقتصادی آن‌ها سعی می‌کند با مقایسه، به روشن کردن وضعیت داخلی کشور ایران بپردازد. در حقیقت نگارنده با طرح این مسئله سعی می‌کند ریشه‌های فساد و بی‌عدالتی را در کشور تبیین کند (روزنامه اختر، ۱۳۰۸ ه.ق، شماره ۲۳: ص ۲-۳). بنابراین باید گفت بازخوانی نقش روزنامه‌ها و تأثیرگذاری آن بر شکل‌گیری، تأثیرگذاری و موفقیت جریان اعتراضی علیه قرارداد تنباکو، همان‌الگوی پیش‌گفته را پیش چشم می‌آورد. یعنی نقش تأثیرگذار برخی از معدود روزنامه‌های انتقادی و حساسیت آن‌ها نسبت به آن دسته از مسائل ایران که بیشتر وجه بین‌المللی داشت. علاوه بر این، ما با تعدادی بسیار اندک از روزنامه‌ها مواجهیم که بر این فرآیند اعتراضی تأثیر گذاشتند؛ یعنی روزنامه‌های چاپ‌شده در تبعید و این بدان معنا بود که روزنامه‌های چاپ داخل، عملاً از بازتاب چنین اعتراض‌هایی ناتوان بودند یا عملاً با این فرآیندها و بازتاب انتقادی آن درگیر نمی‌شدند. اگرچه تأثیر این روزنامه‌های درگیر در جریان اعتراض تنباکو را می‌توان، نسبتاً پرتنگ ارزیابی کرد. اعتراض‌ها طبق معمول از بازار و توسط طیفی از طبقات اجتماعی آغاز می‌شد که منافع آن‌ها از جانب حکومت نادیده گرفته شده بود و درآمدها و منافع آن‌ها در بسیاری از شهرهای مهم ایران را تهدید کرده بود. شیراز، تبریز، اصفهان، مشهد، قزوین، یزد و تهران کانون‌های مهم اعتراض‌های شهری در این دوره بودند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۴۵-۶۵، فوران، ۱۳۷۷:

۱۱۹-۹۰ رهبری، ۱۳۸۷، ۱۲۲-۹۵؛ صفایی، ۱۳۵۶، ۱۴-۱۳؛ کربلایی، ۱۳۷۳: ۸۰). بنابراین روزنامه‌ها نیز در کنار تریبون‌های مذهبی، واکنش‌های عینی بازار و تجار و دیگر مؤلفه‌ها در زمره‌ی مؤثرترین ابزار در تحولات مربوط به قیام تنباکو به شمار می‌رفت. به عبارتی روزنامه‌ها در نهضت تنباکو به‌عنوان نخستین ابزار و شیوه‌ی بسیج، نقش بسیار مهمی را در برانگیختن توده‌ها علیه شاه بر عهده داشتند و با سرازیر کردن اطلاعات و اخبار به جامعه، اذهان عمومی را برای پرداختن به مسائل مهم اجتماعی مهیا کردند و آن‌ها را از حالت انفعالی بیرون کشیده و فضای اندیشه‌ی جامعه را به پویایی و کنکاش واداشتند و بستر آفرینندگی و مشارکت مردمی در مسائل روز جامعه‌ی خود گسترانده و اقشار عمومی را علیه وضع ابتدال نظام قاجاری شوراندند.

در این زمینه باید به نخستین واکنش به قرارداد تنباکو، به‌صورت یک اعتراض هماهنگ و دسته‌جمعی از سوی مشهورترین روزنامه‌های آن دوره توجه کرد. زمانی که دولت قرارداد را امضاء کرد برخی از مطبوعات متن مذاکره و اصول و شرایط آن را به‌تفصیل چاپ کردند و به‌شدت به دولت حمله کردند. مهم‌ترین این روزنامه‌ها قانون بود. البته چنین رویکردی از جانب این روزنامه در چنین فضای غیرطبیعی نبود زیرا دامنه‌ی انتقادات و اعتراض‌های این روزنامه، از نبود قانون تا تشکیل هیئت‌وزیران و اعتراض به نحوه‌ی برخورد با منورالفکرانی مانند سید جمال و بسی امورات دیگر را پوشش می‌داد. به‌عنوان نمونه در نقد برخورد حکومت با سید جمال آمده است که: «جناب سید جمال‌الدین را وزرای تهران چرا به آن فضاحتی که ارادل اشقیاء هم نمی‌توانند تصور نمایند از ایران نفی کردند. موافق اخبار صحیح، این روزها (وی) خود را سالمأ به لندن رسانده در آنجا به‌واسطه تجدید روابط خود با بزرگان عصر درنهایت دلگرمی مشغول خدمات اسلام و محرک اشتعال آدمیت ایران است.» (قانون، شماره ۱۸: ص ۴). اتخاذ چنین رویکردهایی از جانب میرزا ملکم خان و روزنامه‌ی قانون نسبت به منورالفکرانی از جنس سید جمال که از منظر دینی در اصلاحات می‌نگریستند بسیار قابل‌تأمل بود. این اهمیت از آن‌جهت بود که تا پیش از رخداد قیام تنباکو، آنچه میرزا ملکم خان به‌مثابه‌ی یک تئوری حکومتی- قانونی در پی ترویج آن بود، بهره‌برداری از آموزه‌های اسلامی در جهت اصلاح امور و استخراج قوانین و نوعی اعلام بی‌نیازی از دیگر منشأهای قانون‌گذاری بود. بنابراین، تلاش او آگاهانه یا ناآگاهانه، در به حاشیه راندن رویکردهای مستقل‌تر و در عوض اهمیت بخشیدن به این نوع تفکر دارای اهمیت بود و تحركات اعتراضی به رهبری روحانیت شیعه را میسرتر می‌ساخت. درواقع، این تلقی روزنامه‌ی قانون نسبت به مسئله‌ی قانون‌گذاری، ازقضا روحانیت مقتدر دوره‌ی ناصری را بیش از هر گروه اجتماعی- سیاسی دیگر نسبت به اصلاحات با منشأ مذهبی تحریک می‌کرد و این بسیار مهم بود

و خود را در نوع رهبری قیام تنباکو و جنس اعتراض‌های آن نمایان می‌ساخت. وی در شماره نهم قانون که کمی پس از ذی‌حجه سال ۱۳۰۷ ق. منتشرشده، با تأکید بر موقعیت علما و روحانیون، تمام عیوب و عقبا فتادگی ایران را نتیجه‌ی عمل نکردن به شریعت و پیاده نکردن موازین آن در اجتماع و سیاست می‌دانست و هرگونه ترقی و پیشرفت و مدرن شدن را بدون توجه به شریعت و آموزه‌های اسلام، ناقص و ناشدنی می‌دانست (قانون، شماره ۹: ص ۱-۲).

ملکم همچنین در شماره ۱۳ قانون به جامعیت اسلام اشاره می‌کند. او اسلام را جامع حقایق دنیا می‌دانست و هرگونه پیشرفت و ترقی جهانی را برتافته از آموزه‌های اسلامی تصور می‌کرد (قانون، شماره ۱۳: ص ۳). بر همین اساس، ملکم خان در شماره ۱۷ روزنامه قانون فصل دیگری از اعتقادات خود نسبت به قانون و منشأ آن را نمایان می‌سازد: «از برای این مطلب مهم هیچ لازم نیست که قوانین تغلیس یا رسوم پاریس را به ایران بیاوریم. چیزی که الآن بر عهده ما واجب است این است که بلا تأمل به جان‌ودل بچسبیم به مجتهدین ما و نجات ما را از ارشاد و از همت ایشان بخواهیم. در همیت و قدرت ایشان هیچ حرفی نیست ... مبدا به وعده‌های لغو دیوانیان فریب بخورید و از دور مجتهدین متفرق بشوید. امان ای برادران دامن مجتهدین را از دست ندهیم.» (قانون، شماره ۱۷: ص ۴). در چنین بستری، توجه به نوع مواجهه و نقد و اعتراض وی به قرارداد تنباکو و تلاش او به منظور اقتناع روحانیت قدرتمند عهد ناصری، به روشنی نقش این روزنامه در شکل‌گیری فضای اعتراضی این دوره را آشکار می‌سازد. وی در شماره بیستم قانون به صورت مستقیم درباره‌ی قرارداد تنباکو می‌نویسد و انعقاد آن را یکی از بزرگ‌ترین ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها در حق مردم ایران می‌نامد و به کارگزاران و عوامل دخیل در انعقاد آن، با لحنی تند، انتقاد می‌کند (قانون، شماره ۲۰: ص ۳-۴). ملکم در بخش دیگری از این نامه خطاب به میرزای شیرازی، موضع او را نجات‌بخش ایران می‌دانست و از اینکه شخصیتی چنین، با دادن «فتوایی ربانی»، مقدمات اعتراض به‌قرار داد را فراهم آورده بود، خرسند بود و «خود و عموم آدمیان را نیازمند انوار هدایت آنان» ذکر می‌کرد. (قانون، شماره ۲۰: ص ۴). بنابراین آنچه ملکم در روزنامه قانون انعکاس داد به‌نوعی محرک روحانیون و دیگر اقدشار جامعه به‌ویژه زنان برای پیوستن به اعتراض رژی شد. زیرا در این روزنامه روحانیون را عنصری مهم خطاب می‌کند که می‌توانند رفع ظلم کنند و از آن‌ها می‌خواهد که دستگاه ظلم و اطاعت از ظالم را در منابر لعن و تکفیر کنند.

روزنامه دیگری که در این زمان اکثریت توده‌های مردم را بر ضد اقدامات استبدادی ناصرالدین‌شاه بسیج می‌کرد، روزنامه اختر بود که در استانبول توسط محمد طاهر تبریزی و میرزا مهدی ملقب به اختر منتشر می‌شد (ذاکر حسین، ۱۳۶۸: ۴۲) این روزنامه مقاله‌هایی در انتقاد به قرارداد تنباکو

و حکومت استبدادی ناصرالدین‌شاه به چاپ رسانید و به داخل کشور ارسال نمود که هرکدام از آن‌ها نقش مهمی را در تهییج و برانگیختن مردم بر عهده داشتند. این مقاله‌ها در واقع نقش مهمی در بسیج افکار عمومی ایفا می‌کردند. مقاله اول در ۲۷ ربیع‌الاول سال ۱۳۰۸ ق منتشر شد که در آن آزادی‌خواهان با لحن شدیدی به امتیاز تنباکو حمله کرده بودند. این مقاله پس‌ازاین که به‌اختصار به مفاد قرارداد نامه مابین ایران و شرکت رژی اشاره کرده، نشان می‌دهد که صاحب‌امتیاز با توجه به تخمین‌های ناظر کل گمرکات، می‌بایست سود ویژه‌ی سالانه‌ای برابر با ۵۰۰'۰۰۰ لیره به دستاورد و همچنین اضافه می‌کند که آنچه عاید دولت ایران می‌شود بسیار ناچیز و کم است. سپس با مقایسه شرکت رژی در ایران با شرکت رژی در عثمانی خاطر نشان می‌سازد که این شرکت در ایران از سود بیشتری برخوردار خواهد بود. مقاله در پایان به مضرات قرارداد که در صورت اجرایی شدن می‌تواند دامن‌گیر مردم و دولت شود، اشاره کرده و آزادی‌خواهان و روحانیون ایران را به مبارزه با آن دعوت می‌کند (روزنامه اختر، ۱۳۰۸ ه.ق، شماره ۲۳: ۲-۳).

آنچه درباره‌ی محتوای مقاله‌های اعتراضی به قرارداد تنباکو اهمیت داشت این‌که انتقاد مخالفان نه صرفاً با قرارداد تنباکو، بلکه با بی‌قانونی و به‌طور کلی با نظام استبدادی حکومت قاجار بود. درگیر شدن بهتر و علنی‌تر روزنامه‌ی اختر با مسئله‌ی تنباکو از استانبول شروع شده بود. وقتی تالبوت صاحب‌امتیاز رژی از انگلستان عازم ایران شد چند روزی در استانبول توقف کرد. در زمان اقامت تالبوت در استانبول مدیر روزنامه اختر بعد از قرار ملاقات موفق شد مصاحبه‌ای با وی انجام دهد. این مصاحبه تحت عنوان «سخنی چند در انحصار تنباکو و توتون ایران» به‌صورت مقاله‌ای در شماره ۲۳ مورخ ۹ جمادی‌الآخر سال ۱۳۰۸ ه.ق (اواخر ژانویه ۱۹۸۱ م) منتشر شد. این مقاله پس از گزارش گفتگوی نویسنده مقاله با تالبوت، به زیان‌هایی اشاره می‌کند که به‌محض اجرای قرارداد دامن‌گیر زارعان و تاجران ایران می‌شد. سپس به مقدار منافی که دولت ایران و دولت ترکیه از انحصار تنباکو عایدشان می‌شد و منافع بیشتری که دولت عثمانی در مقایسه با دولت ایران به دست می‌آورد پرداخته و اصول قرارداد را زیر سؤال می‌برد (روزنامه اختر، ۱۳۰۸ ه.ق، شماره ۲۳: ۳-۴).

روزنامه‌ها و تأثیر آن‌ها در اعتراضات زنان در عصر ناصری: تأثیری پرننگ

فصل دیگری از اعتراض‌ها به وضع موجود در زمان ناصرالدین‌شاه را اعتراض‌های زنان به خود اختصاص می‌دهد. حضور وسیع و قابل‌تأمل زنان به‌مثابه‌ی یک طبقه‌ی اجتماعی مهم اما درعین‌حال

کمتر دیده‌شده در این دوره، یکی از تحولات مهم تاریخ ایران به شمار می‌رود. حضور چشمگیر زنان در تحولات دوره‌ی ناصری و تأثیرگذاری آن‌ها در اعتراض‌های این دوره تحت تأثیر فضای کلی جامعه ایران بود. تأثیر روزنامه‌ها در خصوص حضور وسیع زنان در اعتراض‌های این دوره را نمی‌توان نادیده گرفت، برای نمونه شرکت زنان به‌عنوان یک گروه اجتماعی تأثیرگذار و فعال در بلوهای نان در این دوره را می‌توان متأثر از مباحث جدید مطرح‌شده در روزنامه‌ها دانست (ناطق، ۱۳۵۵: ۵۴۰-۵۶۵؛ آدمیت، ۱۳۵۵: ۷۵-۸۵). زنان در روزنامه‌های مطرحی همچون اختر، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان اجتماعی مطرح می‌شدند که هرگونه اصلاح اجتماعی-سیاسی جز از طریق اصلاح امور زنان را اساساً غیرممکن می‌پنداشت (اختر، سال دوم: ش ۳۶: ص ۲؛ اختر، سال ۱۹، ش ۹: ص ۴). روزنامه‌ی تمدن نیز در اعتراض به موقعیت زنان در عصر ناصری و از زبان یکی از آن‌ها می‌نویسد که: «ما را از ۵ سالگی به مکتب می‌گذاشتند. آن‌هم نه همه‌ی دختران را بلکه ندرتاً. ۹ ساله که می‌شدیم از مکتب درمان می‌آوردند. اگر کتاب می‌توانستیم بخوانیم یا خط می‌توانستیم بنویسیم، پدران عزیزمان باکمال تغییر، کتاب و قلم را از دستمان گرفته، پاره کرده، شکسته و به دور می‌انداختند که چه معنی دارد دختر خط داشته باشد.» (تمدن، ش ۱۲: ص ۱). میرزا ملکم خان نیز در دوره‌ای که نقدهای صریح و کوبنده‌ی خود را متوجه ساختار سیاسی-اجتماعی عصر ناصری می‌کرد نسبت به موقعیت زنان در ایران می‌نوشت «نصف هر مملکت مرکب است از زن. هیچ طرح ملی پیش نمی‌رود مگر به معاونت زن‌ها. وجود آن‌ها را در هر مقامی باید محترم داشت.» (قانون، ش ۷: ص ۳). این آموزه‌ها تأثیرگذاری نقش زنان در اعتراض‌های دوره‌ی ناصری را البته عمق می‌بخشید. به‌عنوان نمونه، اعتراض آن‌ها به گرانی مس در اصفهان در همین دوره، سرانجام منجر به کاهش قیمت آن شد (آزاد، ۱۳۶۲: ۳۵۸). اعتمادالسلطنه نیز روایتگر اعتراض آن‌ها به شکل مستقیم به شاه در نتیجه‌ی گرانی نان بوده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۷۸۳). این مسئله به‌ویژه هم‌زمان با قیام تنباکو تشدید شد و در شهرهای شیراز، تبریز و تهران و برخی دیگر از شهرها، حضور اعتراضی زنان چشمگیری قابل توجهی داشت (فوران، ۱۳۷۷: ۲۵۳؛ آبادیان، ۱۳۷۶: ۹۳).

نتیجه

روزنامه‌ها، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مظاهر مدرنیته، در دوران ناصرالدین‌شاه، فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران را تحت تأثیر قرار دادند. یکی از مهم‌ترین پدیده‌های این دوره که با روزنامه‌ها

پیوندی قابل توجه برقرار ساخت، اعتراضات عصر ناصری بود. در این پژوهش، تلاش شد تا بر نقش و جایگاه این روزنامه‌ها در اعتراضات عصر ناصری تمرکز شود. مشخص شد که به دلیل موقعیت توسعه‌یافتگی ایران، دسترسی شهرهای ایران با روزنامه‌ها، به صورتی نامنسجم و پراکنده صورت گرفت و تمرکز و نظارت شاه و درباریان بر محدود روزنامه‌های این دوره نیز کارکرد آگاهی بخشی آن‌ها را به شدت تقلیل داد و آن را به ابزاری در خدمت تثبیت وضع موجود قرارداد. در نتیجه، تأثیر روزنامه‌های داخلی، بر اعتراض‌های وسیع ایران عصر ناصری، تقریباً خنثی بود. در نقطه‌ی مقابل مطبوعات داخلی، پاره‌ای روزنامه‌های چاپ‌شده در خارج از ایران، موفق شدند تا وضعیت ایران را از منظری انتقادی‌تر تحت نظارت قرار دهند و بر جریان‌های اعتراضی این عصر تأثیر بگذارند. علی‌رغم طیف وسیعی از اعتراضات با ماهیت سیاسی-اقتصادی و اجتماعی، تنها چند روزنامه مانند اختر و قانون، و آن‌هم در اواخر حکومت ناصری، موفق شدند در پیوند با برخی طبقات اجتماعی، اعتراض‌های ایران را اندکی تحت تأثیر قرار دهند و بر شکاف میان مردم و طبقه‌ی حاکم بیفزایند و بر برخی تصمیم‌های کلان اقتصادی و سیاسی تأثیر بگذارند و اعتراضات مردمی را تقویت کنند. فارغ از این تأثیرگذاری اندک، بسیاری از اعتراض‌های این عصر، به دلیل تقدم زمانی و یا نوع نظارت دولت بر محتوای مطبوعات و نیز توسعه‌نیافتگی ایران، عملاً از بازتاب در روزنامه‌ها بازماندند.

منابع

- آبراهامیان، یراوند (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر. ترجمه احمد گل محمدی، محمدابراهیم فتاحی و ولی لایی. تهران: نشر نی.
- آبادیان، حسین (۱۳۷۶)، اندیشه دینی و نهضت ضد رژوی در ایران، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر.
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۵)، امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۸۵)، اندیشه ترقی و حکومت قانون. (عصر سپه‌سالار)، تهران: خوارزمی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۷)، تاریخ منتظم ناصری، به کوشش اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۵۰)، روزنامه خاطرات، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- براون، ادوارد (۱۳۶۱)، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه فتح‌الله مجتبیایی، تهران: مروارید.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۵۸)، جنبش تنباکو اولین مبارزه منفی در ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۸۵)، «ایران پیش از انقلاب مشروطیت: مهر و موم‌های پایانی سلطنت ناصرالدین‌شاه»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ۱۳۸۵، ویژه مشروطیت مرداد، شماره ۲۲۷-۲۳۰.
- جبارلوی شبستری، بهرام (۱۳۸۳)، «بررسی ویژگی‌های مطبوعات دوران مشروطه»، مجموعه مقالات همایش بزرگداشت مشروطه، تبریز: ستوده.
- شیخاوندی، داور (۱۳۶۹)، زایش و خیزش ملت، تهران: ققنوس.
- ذاکر حسین، عبدالحسین (۱۳۶۸)، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطه، تهران: دانشگاه تهران.
- رایینو، هل (۱۳۷۲)، روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ ق / ۱۲۸۹ ش، تهران: اطلاعات.
- رضوانی، محمد اسماعیل (۱۳۷۲)، تاریخ معاصر ایران، تهران: موسسه مطالعات فرهنگی.
- روزنامه اختر، سال اول تا سال بیست و سوم، (۱۳۱۴-۱۲۹۲.ق).
- روزنامه‌ی ثریا، شماره ۱، ۱۳۰۶.
- روزنامه تمدن، شماره ۱۲.
- روزنامه قانون، شماره ۹ تا ۲۰.
- رهبری، مهدی (۱۳۸۷)، «روحانیت، انقلاب مشروطه و ستیز میان سنت و تجدد»، دانش سیاسی، سال چهارم، صص ۹۵-۱۲۲.
- زنجانی، محمدرضا (بی‌تا)، تحریم تنباکو، تهران: موسسه انتشارات فراهانی.
- سپهر، لسان‌الملک (۱۳۷۷)، ناسخ التواریخ، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۵۶)، اسناد سیاسی در دوران قاجار، تهران: انتشارات جاوید.
- صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۳)، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، اصفهان: کمال.

- عباسی، محمدرضا و پرویز بدیعی (۱۳۷۲)، گزارش‌های اوضاع سیاسی اجتماعی ولایات عصر ناصری ۱۳۰۷ هجری قمری، تهران: سازمان اسناد ملی.
- کربلایی، شیخ حسن (۱۳۷۳)، تاریخ دخانیه، به کوشش موسی نجفی و رسول جعفریان، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کدی، نیکی (۱۳۵۶)، تحریم تنباکو در ایران، ترجمه شاهرخ قائم‌مقامی، تهران: انتشارات زندگی.
- فوران، جان (۱۳۷۷)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- فشاهی، محمدرضا (۱۳۵۳)، از گات‌ها تا مشروطیت، تهران: گوتنبرگ.
- مارتین، ونسا (۱۳۸۷)، دوران قاجار (چانه‌زنی، اعتراض و دولت در ایران قرن نوزدهم)، مترجم افسانه منفرد، انتشارات کتاب آمه.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۰)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۲، تهران: زوار.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۷۵)، انقلاب، مطبوعات و ارزش‌ها، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ناهیدی آذر، عبدالحسین (بی‌تا)، تاریخچه روزنامه‌های تبریز در صدر مشروطیت به انضمام مجموعه روزنامه ناله ملت، بی‌جا: مؤسسه انتشارات تلاش.
- ناطق، هما (۱۳۵۵)، روزنامه قانون، تهران: امیرکبیر.
- نصر، عباس (۱۳۸۶)، «آزادی، قانون و مجلس در نگاه روزنامه اختر»، مجله یاد، سال بیست و سوم، شماره ۸۶.
- نورایی، فرشته (۱۳۵۲)، تحقیق در افکار میرزا ملکم خان ناظم الدوله، تهران: فرانکلین.

